

متن پرسش

سلام: طبق روایات گویا خدا خلق کرده که خود را در هستی اش به تماشا بنشیند. یعنی در نهایی ترین بی نهایت خودش بذات بوده و می‌خواسته ببیند خودش چگونه خداست و البته این باز کمالی است که برای خود خداست. پس یعنی همه حرکات و اتفاقات هستی در واقع سیر و ظهور خدا شدن خداست! پس فقط خداست که می‌داند کیست. قصد ندارم خدا را تعریف کنم چون چنین کاری فقط توسط خود خدا و برای خودش امکان پذیر است، حتی می‌توان گفت خدا در نسبت با مخلوقاتش مقام خدایی گرفته اند وگرنه خدا هم فقط «منی است» نزد خودش! با این تفاوت که می‌داند کیست. کاش می‌خوایدم و در پایان عمر خود بیدار می‌شدم، زیرا رنج بس بزرگی تازه برای خودم پیش رو دارم. بخداوندی خدا بالیقین هرگز در ذات قلبم از هیچ پیش آمدی ترسی ندارم و می‌دانم خدا پیروز است زیرا خدا، خداست دیگه پس خدا قبلاً پیروز شده و اکنون فقط سیر پیروزی اش را دارد می‌سازد و می‌بیند و می‌آورد. این جملات مرا منفعل می‌کند زیرا با «صبر، رنج، غم، خواهش، تمنا، التماس، درد، ضعف، بیماری، خاری و هر گونه انواع درد» در خودم مواجهم، ای کاش در خودم مواجه بودم بلکه «با» خودم مواجهم. من همین اندازه می‌دانم حضرت رسول صلوات الله علیه به عنوان حضور پیامبریشان بعد از معراج قصد خود کشی داشتند که باز با اراده خودشان از آن جلوگیری کردند! این پارادوکس سالیانی است من را دیوانه کرده. همه چیز برای من در همین پارادوکسی که برای حضرت پیش آمده خلاصه می‌شود که اگر این برایم حل بشود بنده می‌توانم زندگی کنم و بسی بی شکست خواهم بود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. همه زیبایی زندگی در آن است که انسان بتواند از طریق رعایت دستورات شرع مقدس با پروردگار خود انس پیدا کند به همان معنایی که مولایمان می‌فرمایند: «إِلَهِي كَفَى لِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى لِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا. أَنْتَ كَمَا أَحْبَبْتَنِي كَمَا تُحِبُّ». خدای من مرا همین عزت بس که بنده تو باشم و همین سربلندی‌ام بس که تو پروردگار من باشی. تو آنچنانی که من دوست دارم. پس مرا آنچنان کن که تو دوست داری. ۲. چنین چیزی نداریم که حضرت بعد از معراج قصد خودکشی داشته باشند. موفق باشید

